

مفهوم قربانی در دیدگاه سه تن از محققان سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی (هربرت اسپنسر، ادوارد تایلور، جیمز جورج فریزر)^۱

فاطمه لاجوردی^۲

مینا بهاری^۳

lajevardi@tpf-iau.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین شعایر دینی که در میان اقوام و ملل مختلف به شیوه‌های گوناگون رواج داشته و دارد، آیین قربانی است. این آیین که خود دربردارنده بخش‌های مختلف و دارای گوناگونی‌های بسیار در زمینه موضوع، چگونگی و هدف قربانی است، مضمون تحقیق پژوهشگران دین‌شناس بوده است. این محققان در طی دو سده گذشته رهیافت‌های متنوعی، همچون رویکرد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اسطوره‌شناختی و پدیدارشناختی را در بررسی این آیین به کار برده‌اند و نظریه‌های گوناگونی را در این باره مطرح کرده‌اند. این مقاله کوشیده است تا در بررسی مختصر خود، پژوهش‌ها و نظریه‌های سه تن از این محققان، یعنی هربرت اسپنسر، ادوارد تایلور و جیمز جورج فریزر را به اجمال معرفی نماید.

کلید واژه‌ها

قربانی، آیین، دین‌شناسی، هربرت اسپنسر، ادوارد تایلور، جیمز جورج فریزر.

۱. تاریخ وصول: ۸۹/۲/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۴/۱۸.

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

مطالعهٔ پدیده‌های دینی از جمله قربانی، ویژگی عام و مهم تحقیقات در رشته‌های مختلف دانشگاهی است. در واقع، تأمل دربارهٔ موضوعات دینی، یک جنبهٔ مهمی از رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی را تشکیل می‌دهد؛ موضوعی که توسط شخصیت‌هایی چون امیل دورکیم^۱، هربرت اسپنسر^۲، جیمز فریزر^۳، ادوارد تیلور^۴، هنری هوبرت^۵ و... مطرح شد. در واقع گرایش به فهم قربانی، بسیار شبیه به کشش به اسطوره و کوشش برای درک آن، همواره از دغدغه‌های مهم مطالعه‌های دینی بوده است. خشونت و ویرانگری که اغلب با قربانی همراه است، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که بر ماهیت قربانی تمرکز یافته‌اند، فرضیه‌های گاه حیرت‌انگیزی را مطرح می‌کنند و بر سر ادعاهای چالش‌برانگیز در رابطه با معنای دین، رفتارهای مربوط به قربانی، و به‌طور کلی زندگی بشر به بحث و گفتگو می‌پردازند. گاه صورت‌های به ظاهر نامعقولی از قربانی در ادیان به چشم می‌خورد، از جمله اینکه خدایی خیرخواه خواستار مرگ کودکی می‌شود، یا اینکه بسیاری از سنت‌های دینی، برای دور ماندن از بلا یا رفع آن، کشتن یک حیوان را توصیه می‌کنند. به این ترتیب، مسألهٔ قربانی، چنانکه دارای اشکال گوناگون است، نیازمند توضیح و تفسیرهای مختلفی نیز می‌شود.

یکی از نظریاتی که به طور برجسته در این زمینه مطرح شده است، نظریهٔ اهداست که به دو صورت اهداء مربوط به قربانی به عنوان رشوه، و اهداء مربوط به قربانی به عنوان تکریم و کرنش در نظر گرفته می‌شود. شایان ذکر است که قربانی در زمان‌ها و مکان‌ها و بر طبق آئین‌های مشخصی انجام می‌گیرد. در گذشته، مکان‌ها اغلب دور از محل زندگی افراد و معمولاً از سنگ‌های طبیعی ساخته می‌شد. قربانی‌ها با ترتیب‌های روزانه، هفتگی، و ماهانه

-
1. Emil Durkheim
 2. Herbert Spencer
 3. James G. Frazer
 4. Edward Burnett Tylor
 5. Henri Hubert

جریان داشت و به ویژه در فصل بهار، که فصل تولد حیوانات و همچنین میوه‌های نوبرانه است، نیز وجود دارد.

بررسی پیرامون قربانی چنان اهمیت دارد که محققان رشته‌هایی چون روان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و... نیز به طور جداگانه این مسأله را مورد بررسی قرار داده‌اند و از جنبه‌های مختلف به تحلیل آن پرداخته‌اند. در این مقاله، که می‌کوشد به بررسی مفهوم قربانی بپردازد، پس از ارائه شرح مختصری درباره معنا و مفهوم این پدیده، به نظریه سه تن از محققان بزرگ سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی، یعنی هربرت اسپنسر، ادوارد تایلور و جیمز فریزر، که در این زمینه نظریات تأثیرگذاری ارائه نموده‌اند، خواهیم پرداخت.

بررسی مفهوم و معنای قربانی

شاید اولین معنایی که با شنیدن نام قربانی به ذهن فردی پرورش یافته در فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌رسد، ذبح یک حیوان باشد، حال آنکه این مفهوم که در جوامع و فرهنگ‌های مختلف صورت‌های بسیار گوناگونی را شامل می‌شود. در برخی جوامع قربانی گیاه رایج است و در برخی دیگر، مانند جامعه ما قربانی حیوان رواج بیشتری دارد. حتی جوامعی بوده و هستند که انسان موضوع قربانی آنان است.

قدیس آگوستین درباره قربانی می‌گوید: «هر کاری که ما را در مشارکتی مقدس با خدا قرار دهد و هر کاری که ما را به آن نیکی نهایی که می‌توان سعادت ابدی را در آن یافت، رهنمون شود»، آن عمل قربانی خواهد بود. «زمانی که ما برای حقیقت الهی مبارزه کنیم و خونمان در این راه ریخته شود، تنها آن هنگام است که قربانی خونین تقدیم خدا کرده‌ایم. زمانی که عشق و پاکی مقدس درونمان شعله می‌کشد، آن هنگام است که خوشبوترین عودها را برای خداوند می‌سوزانیم»^۱

1. Cooke, B. J., "Sacrifice, IV (in Christian Theology)", *New Catholic Encyclopedia*, Bernard L. Marthaler, U. S. A, Thomson Gale, 2003, vol. 15, p. 516.

جدای از کشتن جانداران، هرگونه عملی که موجب دست کشیدن از هرچیز ارزشمند شود، همچون گذشتن از خواسته، هدف، نیاز و همینطور حقی که هر انسانی به طور طبیعی از آن برخوردار است، می‌تواند نام قربانی را به خود بگیرد.

در ادیان مختلف از دوره‌های بسیار دور تا زمان حاضر، این رسم تقریباً همیشه برقرار بوده است و به این ترتیب، در هر زبانی واژه‌ای خاص برای این آیین وجود دارد. اما مهم اینجاست که این واژه‌ها اغلب بیانگر معنا و مفهومی مشترک هستند. واژه لاتین *Sacrificium* که از دو واژه *Sacer*، به معنای «مقدس»، و *Facere* به معنای «ساختن (کردن)»، ساخته شده است، اساس ریشه‌شناسی واژه انگلیسی *Sacrifice* (قربانی) است. این ریشه‌ها اشاره به این دارد که قربانی در واقع نوعی فرآیند تقدیس است، یعنی فرآیندی که در ضمن آن چیزی تقدیس می‌شود.^۱ واژه سنسکریت برای قربانی ودایی، یعنی *Yajna* است که از *Yaj* به معنی «تقدیم کردن» می‌آید و *Opfer* آلمانی (قربانی، تقدیمی) به احتمال قوی از *Offerre* لاتین به معنای «تقدیم کردن» و یا «هدیه دادن» مشتق شده است.^۲ در قرآن نیز به کلمه «هدی» اشاره شده است.^۳ این کلمه، نامی ویژه قربانی است که در موسم حج ذبح می‌شود.^۴ مفرد این واژه، یعنی هدیه، ظاهراً مصدری است که به صورت صفت به کار می‌رود.^۵ علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان* این واژه را پیشکش کردن ترجمه کرده است. این پیشکشی به فرد یا محلی انجام می‌شود و قصد قربانی‌کننده از آن، تقرب جستن به آن فرد یا محل است. اصل آن هم به دو صورت است:

۱. یا از هدیه گرفته شده و به معنای تحفه است.

1. Carter, Jeffrey, *Understanding Religious Sacrifice*, Continuum International Publishing Group, 2003, p. 2.

2. Idem, p. 3.

۳. بقره، ۱۹۶؛ مائده، ۹۵ و ۹۷؛ فتح، ۲۵.

۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، *مفردات الفاظ قرآن*، به کوشش و ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۵۱۵؛ طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۵. راغب اصفهانی، ج ۳، ص ۵۱۵.

۲. یا از هَدَی می‌آید، به معنی هدایتی که انسان را به سوی مقصود سوق می‌دهد.^۱
- شبهه معنای دوم را در واژه عبری قربانی، یعنی واژه «Korban» نیز می‌یابیم، که به معنای «نزدیک‌تر شدن» است و هم نزدیک شدن انسان به خدا و هم نزدیک شدن خدا به انسان را می‌رساند.^۲
- این ریشه‌ها سرنخ دیگری در مورد این که قربانی اغلب چگونه تعریف می‌شود، به دست می‌دهد؛ این سرنخ به هدیه دادن، اهدا کردن چیزی و واگذاری آن چیز به شخص و یا موجود دیگری اشاره دارد. چنانکه خواهیم دید، جایگاه «نظریه اهدا» در میان مباحثه‌های قربانی بسیار برجسته است و شمار زیادی از نتیجه‌گیری‌های مربوط به معنای قربانی از آن ناشی می‌شود.^۳
- همانگونه که پیش از این بیان شد، قربانی صرفاً کشتن یک حیوان نیست و با نگاهی موشکافانه به هر آنچه که قربانی می‌شود، می‌توان نتایج زیر را مطرح نمود:
۱. ارزش آنچه که قربانی می‌شود، بسته به آنچه برایش قربانی می‌کنیم، متغیر است.
 ۲. هر چه ارزش آنچه که برایش قربانی می‌کنیم بیشتر باشد، ارزش آنچه که قربانی می‌شود نیز بالاتر می‌رود.
 ۳. میزان اعتقاد کسی که قربانی می‌کند، در این جریان سنجدیده می‌شود.
 ۴. در هر فرهنگ، آنچه که قربانی می‌گردد، نشانگر میزان ارزشمندی آن در فرهنگ آن جامعه خاص است.
- از سویی دیگر، قربانی نماد سه موضوع است که در هر فرهنگی نمود می‌یابد:
۱. قربانی می‌تواند نمایانگر فرد یا جماعت قربانی‌کننده باشد. در این صورت، می‌توان به جایگاه فرد یا افراد در آن فرهنگ پی برد. شاید بتوان گفت که در این فرهنگ‌ها، اعتقاد انسان‌ها تا به آن حد است که مفهوم قربانی خود برای اعتقاد مطرح است.

۱. طباطبایی، ج ۲، ص ۱۱۲.

2. Wigoder, Geoffrey, "Sacrifices and Offerings", *The New Encyclopedia of Judaism*, New York, New York University Press, 1989, p. 672; Dan, Joseph, "Sacrifice-in the Kabbalah", *Encyclopedia Judaica*, Michael Berenbaum (ed.), U. S. A., Keter Publishing House, 2007, vol. 17, p. 649.

3. Carter, p. 3.

۲. قربانی می‌تواند نمایانگر فردی باشد که برای او ذبح می‌کنند. در این مورد، میزان ارزشمندی آنچه که برایش قربانی می‌کنند، از قدر و قیمت ذبیح مشخص می‌گردد. برای مثال آن گروهی که به تصور اینکه خدایشان را ذبح می‌کنند، ذبیح را برمی‌گزینند، باید به میزان ارزشی که برای آن خدا قائل است، مورد را برگزینند. البته همیشه نمی‌توان با قیمت صرف قربانی، این ارزش را تعیین نمود. اگر این ارزشمندی با توجه به میزان توانایی مالی و حتی روحانی فرد سنجیده شود، نتیجه دقیق‌تری به دست خواهد داد.

۳. در مورد سوم، قربانی می‌تواند به عنوان میانجی در این مراسم به شمار رود، چنانکه گاه فرد می‌خواهد به کسی که دسترسی به او برایش به گونه‌ای ناممکن است، هدیه‌ای ببخشد. این نوع ارتباط شاید معنایی فراتر از روابط مادی داشته باشد و نیازمند باور داشتن به ماوراست. فرد با اعتقاد به اینکه آنچه در عالم رخ می‌دهد، تأثیری جداگانه در عالم نامحسوس دارد، به این کار دست می‌زند. به این ترتیب می‌تواند با قربانی یک حیوان، و بخشیدن گوشت آن به فقرا، روح کسی را که برایش قربانی کرده، از تأثیر عملش شاد نماید. در چنین حالتی، فرد نه تنها در موارد مادی، بلکه حتی با بخشیدن کسی که عزیزش را ناخواسته و به اشتباه به قتل رسانده نیز می‌تواند روح عزیزش را شاد کند.

اهدافی را که می‌توان برای قربانی مطرح کرد نیز عبارتند از:

۱. به هدف شکرگزاری

۲. به نیت مکافات عمل

۳. برای ممانعت از انجام عملی یا روی دادن امری

آنچه برای شکرگزاری قربانی می‌شود، معمولاً پس از رخ دادن موضوع شکرگزاری ذبح می‌شود. یعنی نخست رویدادی بروز می‌کند و پس از آن قربانی می‌کنیم، در حالی که در مورد سوم، نخست قربانی داده می‌شود و پس از آن باید منتظر بود تا قربانی اثر کند. نکته متضاد دیگری هم مطرح است و آن اینکه شاید ارزش قربانی نوع سوم بیشتر از نوع اول باشد. زیرا در نوع اول یا خطری از سر گذشته و یا خیری به وقوع پیوسته است. هر چه بوده گذشته و ما با خیالی آسوده به شکرگزاری می‌پردازیم و ممکن است حتی این شکرگزاری به گونه‌ای از سر باز کردن باشد. اما در مورد نوع سوم، یا می‌خواهیم از شری پیش‌گیری نماییم و یا اینکه موانع رویداد خیر را از سر راه وقوعش برداریم. به این ترتیب،

هر اندازه که آن خیر برایمان مهم‌تر باشد و هر اندازه که از آن شر بیشتر گریزان باشیم، به همان نسبت ارزش مورد قربانی هم بالا می‌رود و حتی ممکن است به دفعات متعدد هم تکرار شود، تا از وقوع حتمی امر مطلوب، اطمینان قلبی حاصل کنیم.

نوع دوم قربانی بستگی به میزان خطایی دارد که فرد مرتکب شده است، یعنی با سبک یا سنگین بودن خطا، ارزش قربانی هم تغییر می‌کند.

البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که آنچه که از سوی هر فردی بروز می‌کند، ارتباط بسیار نزدیکی با میزان ایمان او دارد. در تمامی قربانی‌ها شخصیتی مرکزی، یعنی موجودی ماورایی، مقدس، روحانی و الهی وجود دارد. بنابراین، فردی که به قربانی اقدام می‌کند، در درون خود به وجودی ایمان دارد که این قربانی را بر مبنای آن اعتقادش به او پیشکش می‌کند. حال هر چه که اعتقاد فرد به آن وجود فراطبیعی بیشتر باشد، و هر چه آن موجود در نگاه فرد عظیم‌تر باشد، میزان قربانی بیشتر و بزرگتر خواهد بود.

با این مقدمه کوتاه تاحدودی روشن شد که نگاه به قربانی تا چه حد می‌تواند وسعت و عمق داشته باشد. این ژرفا در حیطه موضوع، وسعتی را در حیطه مطالعات اندیشمندان به دنبال داشته و آنان را به ارایه نظریه‌ها و فرضیات علمی گوناگونی واداشته است. این نظریه‌ها گاه مورد توجه دیگر دانشمندان قرار گرفته و تأثیرات مهمی بر اندیشه آیندگان آنها نهاده است. یکی از این افراد ادوارد تایلور انگلیسی بود که نظریه جانمندانگاری یا همان آنیمیزم را مطرح ساخت که پس از او بسیار مورد توجه قرار گرفت. همچنین هربرت اسپنسر و جیمز فریزر که هر دوی آنها نیز انگلیسی بودند، نظریه‌های هدیه، و نظریه پادشاه الوهی و قربانی انسانی را مورد بررسی و پژوهش قرار دادند.

اینک به بررسی مختصر زندگی این محققان و نظریات مطرح شده از سوی آنان

می‌پردازیم.

ادوارد برنت تایلور و نظریهٔ قربانی

ادوارد برنت تایلور معروف به «پدر انسان‌شناسی»^۱ در دوم اکتبر سال ۱۸۳۲م در لندن، در خانواده‌ای از اعضای فرقهٔ کواکر به دنیا آمد.^۲ او که مؤسس فرهنگ انسان‌شناسی است،^۳ در سن ۲۳ سالگی به بیماری سل مبتلا شد و برای معالجه به آمریکا رفت.^۴ پس از این سفر، از کشورهای دیگری نظیر مکزیک هم دیدار کرد و شیفتهٔ فرهنگ‌های آنها شد.^۵ او در سال ۱۸۵۶م در کوبا با هنری کریستی،^۶ باستان‌شناس معروف، آشنا شد و از آن پس، گاه با او به سفر می‌رفت و به کمک او، به کسب دانش در زمینهٔ باستان‌شناسی و مردم‌شناسی می‌پرداخت.^۷

تایلور در سال ۱۸۶۱م نخستین کتابش را با عنوان *آناهواک*^۸ منتشر نمود.^۹ پژوهش‌هایی در *تاریخ ابتدایی بشر*^{۱۰} او نیز به سال ۱۸۶۵م به چاپ رسید و سرانجام در سال ۱۸۷۱م مهمترین اثرش، یعنی *فرهنگ ابتدایی*^{۱۱} انتشار یافت که با نظریهٔ تکامل زیست‌شناختی داروین^{۱۲} هماهنگ بود. وی با برقرار کردن ارتباط تدریجی میان فرهنگ‌های اولیه و معاصر، فرضیهٔ مربوط به تکامل را بسط داد و طرح تکامل اجتماعی را در تطبیق فرهنگ‌های جدید و «ابتدایی» پذیرفت و اظهار داشت که همانندی‌ها را می‌توان به برخی دلایل مشترک نسبت داد، و اینکه اصول جبری درست به همان‌گونه که در طبیعت مؤثرند، در فرهنگ نیز دخیل‌اند.^{۱۳}

1. Father of Anthropology
2. Sharpe, Eric J., "Tylor, E. B.", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, MacMillan Publishing Company, 1987, vol. 15, p. 107; Carter, p. 12.
3. McHenry, Robert, "Edward Burnett Tylor", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A. 1993, vol. 12, p. 84.
4. McHenry, "Edward Burnett Taylor", vol.12, p. 84.
5. Carter, p. 12.
6. Henry Christy
7. Sharpe, vol.15, p. 107.
8. Anahuac
9. McHenry, "Edward Burnett Taylor", vol.12, p. 84; Carter, p. 12.
10. *Researches into the Early History of Mankind*
11. *Primitive Culture*
12. Darwin
13. Sharpe, vol.15, p. 107; Carter, p. 12.

تعریف کلی او از فرهنگ عبارت بود از: «کلیتی پیچیده که شامل دانش، عقیده، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر توانایی و عادت دیگری که بشر به عنوان عضوی از جامعه آن را به دست می‌آورد.»^۱ وی بر مبنای این فرض که آداب و رسوم و عقاید «فرهنگ‌های بدوی» عصر حاضر، بازماندهٔ رسوم عصر باستانی پیش از تاریخ است، به این نتیجه رسید که این‌ها شواهدی هستند که بر مرحلهٔ اولیهٔ دین دلالت دارند. او همچنین به این فرض قائل بود که مرحلهٔ فرهنگ معنوی، متناظر با مرحلهٔ خام فرهنگ مادی در جوامع باستانی یا بدوی است^۲ و اینکه می‌توان در فرهنگ‌های جدید نشانه‌هایی را از «بازمانده‌های» عقاید و اعمالی (برای نمونه: خرافات) که ریشه در فرهنگ‌های ابتدایی دارند، یافت.^۳

آوازهٔ تایلور بیشتر به سبب نظریهٔ جانمندانگاری اوست. به نظر او مرحلهٔ اولیهٔ دین اعتقاد به روح یا جوهری غیرمادی در موجود بشری بود، که مردمان ابتدایی آن را به صورت روح در نظر می‌گرفتند. او بر این باور بود که اعتقاد به ارواحی که نه فقط در وجود انسان‌ها، بلکه در همهٔ ساختارهای طبیعی و اشیاء خانه دارند و اعتقاد به استقلال روح انسانی که در خواب یا مرگ از او جدا می‌شود، و نیز معتقدات دینی و آداب و رسوم پیوسته با آن‌ها، نشأت گرفته از همین تفکر است، تفکری که در نهایت به آنیمیسیم، یا در دیدگاه تیلور، همان شکل نخستین دین ختم شد.^۴ از این شکل، گونه‌های پیشرفته‌تری از دین به وجود آمد، آنگونه که «ارواح»، «خدا» شدند، ارواح پشتیبان و ارواح طبیعی، اساسی برای چندگانه‌پرستی گشتند و بعدها با هم آمیختند تا عقیدهٔ یگانه‌پرستی را بسط دهند.^۵

این نظریه در سال ۱۸۷۱م مطرح شد و در مباحثه‌های مربوط به قربانی اهمیت بسیار یافت.^۶ تایلور نخستین شخصی بود که کوشید برای قربانی توضیحی علمی بیابد. او این آئین را دقیقاً مشابه اهداء یا پیشکشی که ممکن بود به یک پادشاه به‌خاطر احترام انجام شود

1. Carter, p. 12.
2. Sharpe, vol.15, p. 109; Carter, p. 12.
3. Carter, p. 12.
4. Sharpe, vol.15, p. 109; Carter, pp. 12-13.
5. Carter, p. 13.
6. Heninger, Josef, "Sacrifice", Mathew J. O'Connel (trans.), *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, London, MacMillan Publishing Company, 1987, vol. 14, p. 550.

و عنایتی را به دنبال داشته باشد، در نظر می‌گیرد.^۱ تیلور قربانی را کشش طبیعی درون انسان تعریف می‌کند که تعهدی است بین او و آنچه که در ذهنش به‌عنوان مقدس در نظر می‌گیرد. از این رو، وی قربانی را پیشکشی به موجودات برتر به جهت تأمین عنایت و مساعدت بیشتر آنها می‌داند.^۲ به‌نظر او قربانی اهدائی است که برای خدا در نظر گرفته می‌شود و دارای دو جنبه است. یک جنبه، آن ارزش و احترام و کرنشی است که با اهدا بیان می‌شود و جنبهٔ دیگر آن نیز، محرومیت و بی‌نصیب شدن نیایش‌کننده از آن چیزی است که اهدا می‌کند.^۳

تیلور با نگاهی تکاملی به بررسی قربانی پرداخت و این‌گونه فرض کرد که قربانی طی سه مرحله تحول یافته است. مرحلهٔ نخست و خاستگاه قربانی، از اهدا کردن معمولی سرچشمه می‌گیرد، بخشیدن چیزی به شخص بزرگ‌تر، یا در این زمینه، بخشیدن «به یک خدا، گویی که او بشر است». همان‌گونه که مرگ، روح را از انسان جدا می‌کند، قربانی هم به «ذات»^۴ آن چیزی که بخشیده می‌شود (از طریق خون و یا نفسش - که هر یک نشانگر «زندگی» است) این امکان را می‌دهد تا به قلمرو روح منتقل شود. از این رو، با شیوه‌ای آشکارا عقل‌گرایانه، دریافت که چرا قربانی برای ارواح زمین دفن می‌شوند، قربانی برای خدایان آب، به آب انداخته می‌شوند، و قربانی برای ارواح هوا، سوزانده می‌شوند. در دیدگاه او، مرحلهٔ دوم اعمال مربوط به قربانی زمانی رواج یافت که مردم به تدریج باور پیدا کردند که خدایان مراقب بهروزی آنان‌اند، از ستایش خوشنود می‌شوند و می‌توان از آنها درخواست مساعدت نمود. تیلور این مرحله را «بزرگداشت»^۵ نامید و یادآور شد که این مرحله بیشتر شامل مهمانی‌ای در گرامیداشت یک خدا، یعنی یک غذای اشتراکی است که در آن، مردم بخش مادی قربانی را به عنوان غذا می‌خورند و خدا قسمت غیرمادی و

1. Youngert, S. G., "Sacrifice", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998, vol. 11, p. 36.

2. James, E. O., "Sacrifice", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998, vol. 2, vol. 11, p. 1.

3. Robinson, H. Wheeler, "Blood", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998, vol. 2, Vol. 2, p. 719.

4. essence

5. respect

روحانی قربانی را دریافت می‌دارد. تکامل واپسین در اعمال مربوط به قربانی، و مهمترین مرحله نزد تایلور، زمانی رخ داد که انگیزه ابتدایی قربانی کردن، دست کشیدن از چیزی ارزشمند بود. تایلور این مرحله را با عنوان «از خود گذشتگی»^۱ تعبیر کرد، یعنی زمانی که عملی آئینی نه برای منفعت روح (آنگونه که در مرحله پیشین بود)، بلکه برای قربانی‌کننده اجرا می‌شد. او همچنین یادآور شد که در طول این برهه، شیوه‌های گوناگونی از جایگزینی شکل گرفت که برخی از آنها عبارتند از: جزء به جای کل (برای نمونه مو به جای فرد)، چیز کمتر با ارزش به جای چیزی ارزشمند (برای نمونه: حیوان‌ها به جای انسان‌ها) و مفاهیم یا تمثال‌ها به جای انسان یا حیوان (برای نمونه: پیکره‌ها).^۲

تیلور در سال ۱۸۷۵م دکترای افتخاری خود را از دانشگاه آکسفورد دریافت نمود.^۳ هشت سال بعد، یعنی در سال ۱۸۸۳م وی به آکسفورد بازگشت و مسؤول موزه دانشگاه آکسفورد شد. او که از سال ۱۸۹۶م تا هنگام بازنشستگی‌اش در سال ۱۹۰۹م برترین استاد انسان‌شناسی در بریتانیا بود،^۴ در دوم ژوئن سال ۱۹۱۷م درگذشت.^۵

قربانی در بیان هربرت اسپنسر

هربرت اسپنسر فیلسوف و جامعه‌شناس انگلیسی است که در ۲۷ آوریل ۱۸۲۰م در شهر داربی انگلیس به دنیا آمد.^۶ او که به عنوان «بزرگترین فیلسوف زنده انگلستان»^۷ ستوده شده است،^۸ پس از تحصیلات مقدماتی چند ماهی آموزگاری کرد و از سال ۱۸۳۷ تا ۱۸۴۱م نیز به عنوان مهندس راه و ساختمان در شرکت راه آهن به کار پرداخت.^۹ اسپنسر در اوقات بیکاری به نگارش و خودآموزی می‌پرداخت و بر اساس همین استعداد و همینطور به

1. abnegation
2. Carter, p. 13.
3. Sharpe, p. 107.
4. McHenry, "Edward Burnett Tylor", vol.12, p. 85.
5. Sharpe, vol.15, p. 108.
6. Trompf, Garry W., "Spencer, Herbert", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, MacMillan Publishing Company, 1987, vol. 14, p. 4.
7. Greatest living philosopher of England
8. Carter, p. 39.
9. McHenry, Robert, "Herbert Spencer", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A., 1993, vol. 11, p. 83.

سفارش عمویس توماس اسپنسر، در نشریهٔ «اکنومیست»^۱ مشغول به کار شد. در سال ۱۸۴۸م سردبیری این مجله را برعهده گرفت و در سال ۱۸۵۲م رساله‌ای دربارهٔ فرضیهٔ تکامل نوشت. وی در سال ۱۸۵۲م مقاله‌ای با عنوان «فرضیه‌های تحول»^۲ منتشر نمود و در آن فرآیند تکامل را در جریان تغییرهای پیاپی تشریح کرد.^۳ پس از آن در سال ۱۸۵۷م فرضیهٔ خود را در مقالهٔ «پیشرفت: قانون و هدف آن»^۴ تکمیل نمود؛ در این مقاله نیز استدلال نمود که طبیعت، جامعه و ذهن بشری همگی تحول می‌یابد و به این ترتیب، اصطلاح «تنازع بقا»^۵ را وضع نمود. (البته وضع این اصطلاح به اشتباه به داروین نسبت داده می‌شود).^۶ در سال ۱۸۶۰م میلادی شاهکار زندگی خود را با نام «تکامل»^۷ آغاز کرد. وی اعتقاد داشت که تکوین اجسام به اهتمام اجزای متشکل در درون خود صورت می‌گیرد و مبدأ چنین تفکری که بنا بر آن، تکامل به‌طور مستقل و خارج از مشیت الهی یا قدرت دیگری انجام می‌گیرد، در عهد خود فرضیه‌ای انقلابی بود. در سال ۱۸۶۲م نیز کتاب *اصول اولیه* او به چاپ رسید.

اسپنسر بر این باور بود که خاستگاه دین، ریشه در پرستش ارواح یا نیاکان دارد. اگرچه ادیان ابتدایی به تدریج تحول یافتند، اما نشانه‌هایی از حضور آنها را در ادیان متمدن‌تر نیز می‌توان یافت.^۸ او خاستگاه دین را نخست در اعتقاد به ارواح یا اشباح که برگرفته از خواب و خیال بود، می‌دانست و بر آن باور بود که پس از آن این مفهوم به اعتقاد به روح لایتغیر انسانی، و پس از آن نیز به اعتقاد به خدایان و جاوید انگاشتن آنها و شخصیت‌های الوهی تحول می‌یافت. به اعتقاد او، پرستش نیاکان نخستین و اصیل‌ترین پرستش دینی است که از اعتقاد به ارواح و اشباح پیدا شده است. وی دین را نیروی اجتماعی ارزشمندی می‌شمرد که انسان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و ارزش‌های سنتی را حفظ می‌کند.

1. Economist
2. The Development Hypothesis
3. Trompf, p. 4; Carter, p. 39.
4. Progress: Its law and cause
5. Survival of the fittest
6. Carter, p. 39.
7. evolution
8. Trompf, p. 14.

در نظریه اسپنسر تکامل تنها مفهومی زیست‌شناختی نبود. او در مقایسه‌ای نیز میان ارگانیسم حیوان و جوامع انسانی دریافت که در هر دو، سیستم تنظیم (عصبی در یکی و دولت در دیگری)، سیستم نیرو و قدرت (تغذیه در یکی و صنعت در دیگری) و نیز سیستم توزیع و پراکنش (شریان‌ها و رگ‌ها در یکی و جاده‌ها و تلگراف‌ها در دیگری) وجود دارد. تفاوت اساسی میان حیوان و ارگانیسم اجتماعی در آن است که در اولی شعور و خود آگاهی که وابسته به کل است وجود دارد، اما در دومی شعور و خودآگاهی تنها در هر عضو وجود دارد. جامعه به خاطر نفع و سود اعضایش به وجود می‌آید، درحالی که اعضا به خاطر نفع جامعه به وجود نمی‌آیند.^۱

او خاستگاه دین را مربوط به دو فرآیند تفکر عقلی و عمومیت دادن می‌دانست که اساس باورها و اعمال ابتدایی دینی را شکل می‌دهند و چنین استدلال می‌کرد که این عمومیت دادن، گامی کوتاه برای مردمان ابتدایی بود تا از طریق آن رویدادهای غریب را توضیح دهند. با این وجود، اسپنسر نخستن آئین‌های دینی را تنها رفتارهای خاصی به شمار می‌آورد که به گمان مردمان ابتدایی، موجب خشنودی اجداد در گذشته می‌شود، و به همان نسبت هم این اعمال از آغاز در گورستان‌ها و یا دیگر مکان‌های مهم مردگان به اجرا درمی‌آمد. پس همچنانکه فرآیند تعمیم دادن تحول می‌یافت، این فرآیند به تکامل دین منجر می‌شد، که از خدایان متعدد آغاز و به خدای واحد و مطلق (خدای مسیحیت) می‌رسید و سرانجام آئین‌هایی را شکل می‌داد که در کنار قبرها و یا در قربانگاه‌ها انجام می‌گرفت و در نهایت به شکل‌گیری معابد می‌انجامید.^۲

به گفته او، خاستگاه قربانی از آئین قرار دادن غذا و نوشیدنی در گورهای درگذشتگان به وجود آمده است. بنابراین مراسم، ارواح نیاکان برمی‌خاستند تا خوردنیها را برای بسط قربانی، میان مردگان تقسیم نمایند. اکنون مفهوم قربانی در میان مردمانی با فرهنگ‌های نسبتاً مشابه، به عنوان اهداء به الوهیتی که جهانی و همه شمول است به کار می‌رود. این اهدا و پیشکش می‌تواند گیاه مقدس و ... باشد که پس از تقدیم شدن، باعث تسکین روح قربانی

1. McHenry, "Herbert Spencer", vol.11, p. 84.

2. Carter, p. 40.

می‌شود.^۱ نیایش‌ها، نذرها، سفرهای زیارتی، و هر آنچه گمان می‌رود که مرده در زندگی پس از مرگ به آن نیازمند است، به عنوان پیشکش قربانی، یا هدیه به کار می‌رود تا نیاکان (و بعدها خدایان) را تشویق کند تا اقبالی نیک قسمت فرد قربانی‌کننده کنند.^۲

در صورت شناخت نظریهٔ عمومی اسپنسر دربارهٔ آئین، درک اینکه او چگونه اشکال آئینی ویژه را تفسیر می‌کند، دشوار نیست. اسپنسر هم همچون تایلور «نظریهٔ هدیه» قربانی را ارائه می‌دهد. او در عین حال، با برجسته کردن آنچه که فکر می‌کرد محرک اساسی هدیه دادن است، یعنی ترس، در این نظریه سهم می‌شود. مردگان همیشه عوامل احتمالی نابودی‌اند، موجوداتی قدرتمند که می‌توانند نظام امور را با تراژدی‌های غیرمنتظره و دیگر رویدادهای نامطلوب (برای نمونه، بیماری، و طاعون) برهم زنند. به معنای دقیق کلمه، زندگان باید آنچه را که مردگان می‌خواهند و آنچه را که آنها نیاز دارند، پیشکش کنند، تا از خطر پیامدهای منفی بالقوه در امان باشند. جدای از این، اسپنسر استدلال می‌کند که اساساً باورها و اعمال دینی از نیاز روان‌شناسانهٔ بشر به فرونشاندن خشم موجودات فرابشری که ترس را القاء می‌کنند و چگونگی کیفیت زندگی انسان بر روی زمین در دست آنهاست، ناشی می‌شود. قربانی در شکل پیشکشی‌ها، ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین بیان انسان‌ها برای تحقق بخشیدن به این نیاز است.^۳

اسپنسر که یکی از جنجالی‌ترین و مطرح‌ترین محققان انگلیسی بود، در هشتم دسامبر ۱۹۰۳م در برایتون انگلستان درگذشت.^۴

قربانی از نگاه جیمز جورج فریزر

جیمز جورج فریزر، مردم‌شناس بریتانیایی و مورخ ادیان، بزرگترین فرزند خانواده بود و در سال ۱۸۵۴م در گلاسکو به دنیا آمد.^۵ وی پس از گذراندن مدرسهٔ عالی در هلنزبورگ، در

1. James, vol.11, pp. 1-2.

2. Carter, p. 40.

3. Ibid

4. McHenry, "Herbert Spencer", vol.11, p. 84.

5. Ackerman, Robert, "J. G. Frazer", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A., 1993, vol. 4., p. 414.

سال ۱۸۶۹م وارد دانشگاه گلاسکو شد و در سال ۱۸۷۴م به دانشگاه کمبریج رفت. سرانجام در سال ۱۸۷۹م پس از نوشتن رساله‌ای درباره‌ی افلاطون موفق شد تا در همان‌جا به عنوان استاد زبان‌ها و ادبیات باستانی به تدریس مشغول شود.^۱ وی در سال ۱۸۸۴م کتاب کوچکی درباره‌ی توت‌میسیم منتشر کرد که به خوبی مورد توجه قرار گرفت و در جریان رو به پیشرفت انسان‌شناختی گامی شایسته برداشت.^۲

فریزر در سال ۱۸۹۰م، *شاخه طلایی*^۳ را که مشهورترین و اثرگذارترین اثر او به شمار آمد، برای نخستین بار منتشر کرد. این کتاب مطالعه تطبیقی گسترده‌ای درباره‌ی فرهنگ، دین و فرهنگ عامه است که در چهارچوب نظریه گسترده‌ای در زمینه خاستگاه و ماهیت دین تنظیم شده است. این مجموعه همچنین مطالعه وسیعی بر روی گزارش‌های قوم‌نگارانه است که توسط مسافران جهانگرد گردآوری شده بود. خود فریزر هرگز تحقیقی میدانی انجام نداد و همین امر موجب شد که وی به عنوان «انسان‌شناس پشت میز نشین» مورد انتقاد قرار بگیرد.^۴ *شاخه طلایی* که از هر اثر دیگری در زمینه دین تطبیقی بیشتر آوازه یافت، می‌کوشید که از طریق روش تطبیقی رد پای تکامل فرهنگ و دین بشر را در طی مراحل تکاملی متوالی باز یابد. بنابر این اثر، فریزر معتقد بود که نخستین مرحله در سیر تحول دین، مرحله‌ای ماقبل دینی و مبتنی بر اندیشه و عملکرد جادویی بود که به دنبال غلبه بر محیط بیرونی از طریق قوای بشری بود. مرحله دینی پس از آن، متضمن خشنودسازی موجودات فراانسانی بود که تصور می‌شد حیات انسان‌ها به آن‌ها تکیه دارد. او جادو را که در مرحله بعد از سیر و سلوک بشری به صحنه آمد، به علم تشبیه می‌کرد، زیرا هم جادو و هم علم شیوه‌هایی را به کار می‌برند که مبتنی بر جهان‌بینی منسجم (آگاهانه یا غیر آگاهانه) در جهت نیل به اهداف انسانی است و تفاوت آنها در مقدمات وهمی و خیالی جادو نهفته است.^۵

1. Carter, p. 67; Ackerman, vol.4, p. 946.

2. Carter, p. 67.

3. The Golden Bough

4. Carter, p. 67.

۵. الیاده، میرچا، دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

او همچنین امور مقدس را به دو بخش تقسیم کرد: آنها که الوهی‌اند و آنها که الوهی نیستند. به این ترتیب، پادشاهان و رؤسا الوهی‌اند، چرا که تابو هستند و باید مقدس باشند.^۱ او که بنیانگذار نظریه پادشاه الوهی است، معتقد بود که این نظریه از این ایده ناشی می‌شود که سعادت و بهروزی در امور طبیعی و اجتماعی بستگی به حیات پادشاهی دارد که هنگامی که قدرتش رو به زوال می‌نهد، جانشینی پرانرژی جایگزین او می‌شود و سپس خود او به هلاکت می‌رسد.^۲ این یعنی کشتن انسانی که بنابر باور، نیروی ویژه الهی را متجلی می‌سازد.^۳ انسان-خدایان کشته می‌شوند تا از پیر و ضعیف شدنشان جلوگیری شود.^۴ در کامبوج نمی‌گذارند شاهان به مرگ طبیعی از دنیا بروند. از این رو، وقتی یکی از آنها سخت بیمار شود و امکان بهبود نباشد، او را به قتل می‌رسانند. پس فرمانروایان روحانی کشته می‌شوند.^۵ شاهان شیلوک نیز تجسد دوباره نیاکانگ، بنیانگذار نیم-خدای سلسله بودند که با بروز نشانه‌های بیماری یا سستی در آنها به قتل می‌رسیدند. شیلوک‌ها معتقد بودند که نباید گذاشت شاه پیر یا بیمار شود وگرنه با زوال یافتن قدرتش، چهارپایان نقصان می‌یابند و بار نمی‌دهند، محصول دچار آفت می‌شود، بیماری بر بشر چیره می‌گردد و مردم دسته‌دسته می‌میرند. در میان زولوها، شاهان با رسیدن به سن پیری کشته می‌شدند، چرا که چین و چروک و موی سپید باعث می‌شد که شاه نتواند سلطان مردمانی جنگجو گردد.^۶

نمونه‌هایی که فریزر درباره قربانی انسانی مطرح می‌سازد، جالب توجه است. بر این اساس، رسم کشتن انسان‌هایی که خدا انگاشته می‌شدند، در بسیاری از نقاط جهان متداول بوده است.^۷ وقتی بلایی همچون طاعون بر شهر وارد می‌شد، فردی را از میان بینواترین افراد برمی‌گزیدند و مدتی غذای او را تقبل می‌کردند. سپس او را به دور شهر می‌گرداندند

1. James, vol.11, p. 3.

2. Ackerman, vol.4, p. 946.

3. Carter, p. 78.

۴. فریزر، جیمز جورج، *شأنه زرین: پژوهشی در جادو و دین*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگاه،

۱۳۸۲، ص ۲۹۵.

۵. نک: همو، صص ۲۹۶-۲۹۷.

۶. همو، ص ۳۰۲.

۷. همو، ص ۶۵۵.

و همه دعا می‌کردند که گناهان مردم بر گردن او افتد. آنگاه او را از شهر بیرون می‌راندند و یا سنگسارش می‌کردند.^۱ در بین اقوام سامی غرب آسیا، شاه به هنگام بحران‌های ملی گاهی اوقات پسرش را به‌خاطر مردم قربانی می‌کرد. البته در میان قوم سامی، رسم قربانی کردن اولاد خاص شاهان نبود. در هنگام بروز بلاهای بزرگی همچون شیوع طاعون، قحطی یا شکست در جنگ رسم بر آن بود که یکی از عزیزانشان را برای بعل قربانی کنند.^۲ در اوگاندا نیز نخستین فرزند ذکور را می‌کشتند.^۳ در واقع اعتقاد به تناسخ یا باز زادن روح، موجب پیدایش رسم رایج بچه‌کشی به خصوص کشتن نخستین فرزند شده است.^۴

فریزر، قربانی حیوانی را هم با استناد به عقیده توت‌میس و این باور که گونه ویژه‌ای از حیوانات نمودی از برخی از خدایان قبیله هستند، توضیح می‌دهد. قبیله همواره حیوان گونه توت‌می‌اش را قربانی می‌کند تا همگی آن گونه را - به‌عبارت دیگر آن‌چه را که خویشاوند انسانی‌اش، یعنی اعضای آن جامعه را شامل می‌شود- احیاء و تقویت نماید.^۵

فریزر مدعی است که تنها بعدها، این انگیزه‌های جادویی در برخی موارد جای خود را به مفاهیم اخلاقی می‌دهند و در نتیجه، رفتارهای مربوط به قربانی نیز به آئین‌های جبران و کفاره تبدیل می‌شود. فریزر همچنین اذعان می‌دارد که عقیده قربانی به عنوان هدیه، بعدها نزد برخی گروه‌ها، باور به آنکه شیء قربانی‌شده، چه انسان، چه حیوان و چه سبزیجات، تجلی خداست، را تحت تأثیر قرار داد.

فریزر که دیگر به عنوان استاد مردم‌شناسی اجتماعی در لیورپول شناخته می‌شد، در اواخر عمر به کمبریج بازگشت و بقیه عمرش را در آنجا ماند و سرانجام در سال ۱۹۴۱م از دنیا رفت.^۶

۱. فریزر، جیمز جورج، صص ۶۲۹-۶۳۰.

۲. همو، صص ۳۲۶-۳۲۷.

۳. همو، ص ۳۳۰.

۴. همو، ص ۳۳۱.

5. Carter, p. 78.

6. Ackerman, vol.4, p. 414.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی از دیدگاه‌های این محققان می‌توان گفت که قربانی به عنوان یکی از آیین‌هایی که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف وجود داشته است، به تدریج و با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحولاتی شده است. نکته قابل توجه آن است که انسان‌ها همیشه برای بهتر زیستن خود و اطرافیانشان که با آنها احساس همبستگی داشتند، دست به انجام کارهایی می‌زدند که شاید اینک برای ما غیرقابل درک باشد. اما قرار گرفتن در جایگاهی که آنها در آن بودند و تفکر بر مبنای آنچه آنها بر مبنای آن می‌اندیشیدند، به ما کمک می‌کند تا اعمال و رفتار آنها را بهتر درک کنیم.

زمانی که انسان هنوز دلیل طبیعی بسیاری از امور را نمی‌دانست، برای آنکه آن را مهار کند و زیر ارادهٔ خود درآورد، دست به اعمالی می‌زد که اندک اندک شکل و چهارچوب خاصی به خود گرفت. این اعمال که گاه به از دست رفتن بهترین چیزهای فرد می‌انجامید، او را به خود وابسته کرد تا آنجا که به این باور رسید که اعمالی که انجام می‌دهد، حقیقتاً بر زندگی‌اش اثر می‌گذارد. به این ترتیب، این باور خود را به اطرافیان خود انتقال داد تا آنجا که گروه‌کنیری به آن باور درآمدند و آن اعمال نیز به عنوان جزیی از بنیان‌های دین درآمد. آنچه که قربانی می‌شد، خواه انسان و خواه حیوان، گیاه، خوراک و یا هر چیزی که به تصور درآید، نشان از اعتقاد فرد به قدرتی ورای قدرت خودش بود که می‌توانست به او کمک کند و یا به او آزاری رساند. قدرتی که می‌توانست در هرآنچه که نزد انسان دارای ابهت است، وجود داشته باشد. کرنش انسان در برابر این قدرت از ضعفی سرچشمه می‌گرفت که وی در برابر این ابهت احساس می‌کرد. اما این ابهت‌ها به تدریج و با فراگیر شدن علم از میان رفت و در میان ملل پیشرفته اعتقاد به قربانی برای موجودات ماورایی کم و کمتر شد.

با این وجود، هنوز پدیده‌هایی وجود دارد که انسان‌ها در برابرشان احساس عجز و ضعف می‌کنند. هرچند که فراگیری علم، مانع از کرنش در برابر این پدیده‌ها شده و مردم به جای کرنش در برابر این پدیده‌ها، دیگر به دنبال یافتن دلیل وقوع آن‌ها و راه پیشگیری و گاه نیز راهی برای شکل گرفتن آن هستند. با این وجود، قربانی هنوز جایگاه خود را در

میان بسیاری از ملل از دست نداده و مردم هنوز هم به قربانی در معناها و اشکال مختلفش، به عنوان تواضعی در مقابل قدرت برتر یا همان خدا یا خدایان ادیان باور دارند.

منابع

- الیاده، میرچا، دین‌پژوهی، ترجمهٔ بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، به کوشش و ترجمهٔ سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمهٔ سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فریزر، جیمز جورج، شاخهٔ زرین: پژوهشی در جادو و دین، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۲.
- Ackerman, Robert, "J. G. Frazer", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A., 1993.
- Carter, Jeffrey, *Understanding Religious Sacrifice*, Continuum International Publishing Group, 2003.
- Cooke, B. J., "Sacrifice, IV (in Christian Theology)", *New Catholic Encyclopaedia*, Bernard L. Marthaler (ed.), U. S. A, Thomson Gale, 2003.
- Dan, Joseph, "Sacrifice, in the Kabbalah", *Encyclopedia Judaica*, Michael Berenbaum (ed.), U. S. A., Keter Publishing House, 2007.
- Heninger, Josef, "Sacrifice", Mathew J. O'Connell (trans.), *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, MacMillan Publishing Company, 1987.
- Hubert, Henri & Mauss, Marcel, *Sacrifice: Its Nature and Function*, W. D. Halls (trans.), U. S. A., University of Chicago Press, 1981.
- James, E. O., "Sacrifice", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998.
- McHenry, Robert, "Edward Burnett Tylor", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A., 1993.
- Idem, "Herbert Spencer", *New Encyclopedia Britannica*, Robert McHenry (ed.), U. S. A., 1993.
- Robinson, H. Wheeler, "Blood", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998.

- Sharpe, Eric J., "Tylor, E. B.", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, MacMillan Publishing Company, 1987.
- Trompf, Garry W., "Spencer, Herbert", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Tylor, Edward B., *Religion in Pprimitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art and Custom*, Kessinger Publishing, 2007.
- Wigoder, Geoffrey, "Sacrifices and Offerings", *The New Encyclopedia of Judaism*, New York, New York University Press, 1989.
- Youngert, S. G., "Sacrifice", *Encyclopedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), U. S. A., T. & T. Clark, 1998.